

## جایگاه اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها در حقوق ایران و نظام بین الملل کیفری

فردین برمکی / دانشجوی کارشناسی ارشد گروه حقوق، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران (نویسنده اول)

دکتر کیوان حیدرنژاد / استادیار گروه حقوق، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران (نویسنده دوم و مسئول)

### چکیده

اصل قانونی بودن از بنیادی‌ترین اصول حقوق کیفری است که نقش محوری در تضمین عدالت، شفافیت و مشروعیت اقدامات قضایی ایفا می‌کند. این اصل بر لزوم پیش‌بینی قانونی جرم و مجازات تأکید داشته و مانع از اعمال مجازات‌های خودسرانه و تفسیر موسع قوانین کیفری می‌شود. اهمیت این اصل در حمایت از حقوق متهمان، تأمین امنیت حقوقی و تنظیم سیاست جنایی، ضرورت بررسی جایگاه آن را در حقوق ایران و نظام بین‌الملل کیفری دوچندان می‌سازد. هدف این پژوهش، تحلیل جایگاه و کارکرد اصل قانونی بودن در حقوق کیفری ایران و نظام بین‌الملل کیفری، بررسی تأثیر آن بر حقوق متهمان و مشروعیت محاکم، و ارزیابی میزان هماهنگی قوانین داخلی با استانداردهای بین‌المللی است. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از روش تحقیق کتابخانه‌ای انجام شده است. داده‌ها از طریق مطالعه منابع حقوقی داخلی و بین‌المللی و همچنین مقالات علمی میان‌رشته‌ای گردآوری و تحلیل شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رعایت اصل قانونی بودن موجب ایجاد چارچوبی روشن و قابل پیش‌بینی در جرم‌انگاری و اعمال مجازات شده و از خودسرانگی قضایی جلوگیری می‌کند. بررسی تطبیقی حاکی از آن است که هرچند حقوق ایران با تأکید بر نص قانونی و دادرسی عادلانه، گام‌های مهمی در تحقق این اصل برداشته است، اما در برخی موارد با ابهام‌های تقنینی و تفسیری مواجه است. در مقابل، نظام بین‌الملل کیفری با پیش‌بینی معیارهای شفاف‌تر، حمایت گسترده‌تری از حقوق متهمان و محدودیت‌های مؤثرتری بر تعقیب کیفری اعمال می‌کند. نتایج پژوهش بیانگر آن است که تقویت اصل قانونی بودن مستلزم بازنگری مستمر قوانین کیفری داخلی، هماهنگی با استانداردهای نظام بین‌الملل کیفری و توسعه سازوکارهای نظارتی و پیشگیرانه است. تحقق این امر می‌تواند ضمن ارتقای امنیت حقوقی و اعتماد عمومی به نظام عدالت کیفری، زمینه تضمین مؤثرتر حقوق متهمان و افزایش مشروعیت محاکم را در سطح ملی و بین‌المللی فراهم سازد.

واژگان کلیدی: اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، حقوق متهم، نظام بین‌المللی کیفری، حقوق ایران

Scientific Journal of Modern  
Jurisprudence and Law

Print ISSN: ۲۷۱۷- ۱۴۶۹

Online ISSN: ۲۷۱۷ - ۱۴۷۷

Profile in ISC, SID, Noormags,  
Magiran, Ensani,  
GoogleScholar  
[www.jaml.ir](http://www.jaml.ir)

Year ۲۰۲۱, Sixth year, Issue

۲۷

Pages ۱-۲۲

## The Position of the Principle of Legality of Crimes and Punishments in Iranian Law and the International Criminal System

Fardin Barmaki

MSc, Student, Department of Law, Shab.C, Branch, Islamic Azad University, Shabestar, Iran.

Dr. Keyvan Heydarnejad

Assistant Professor, Department of Law, Shab.C, Islamic Azad University, Shabestar, Iran. (Corresponding Author) [Keyvan1372@iau.ac.ir](mailto:Keyvan1372@iau.ac.ir)

### Abstract

The principle of legality is one of the most fundamental principles of criminal law that plays a pivotal role in ensuring justice, transparency, and legitimacy of judicial actions. This principle emphasizes the need for legal prediction of crime and punishment and prevents the application of arbitrary punishments and broad interpretation of criminal laws. The importance of this principle in protecting the rights of the accused, ensuring legal security, and regulating criminal policy makes it necessary to examine its position in Iranian law and the international criminal system. The purpose of this research is to analyze the position and function of the principle of legality in Iranian criminal law and the international criminal system, to examine its impact on the rights of the accused and the legitimacy of the courts, and to assess the degree of coordination of domestic laws with international standards. The present research was conducted with a descriptive-analytical approach and using the library research method. The data were collected and analyzed through the study of domestic and international legal sources as well as interdisciplinary scientific articles. The research findings show that observing the principle of legality creates a clear and predictable framework for criminalization and punishment and prevents judicial arbitrariness. The comparative study indicates that although Iranian law has taken important steps in realizing this principle by emphasizing legal text and fair trial, in some cases it faces legislative and interpretative ambiguities. In contrast, the international criminal system, by providing clearer criteria, provides broader protection for the rights of the accused and imposes more effective restrictions on criminal prosecution. The research results indicate that strengthening the principle of legality requires continuous revision of domestic criminal laws, coordination with the standards of the international criminal system, and the development of supervisory and preventive mechanisms. Achieving this can, while enhancing legal security and public trust in the criminal justice system, provide the basis for more effective guarantee of the rights of defendants and increase the legitimacy of courts at the national and international levels.

**Keywords:** The principle of legality of crimes and punishments, the rights of the accused, the international criminal system, Iranian law

## مقدمه

حقوقی، آثار و پیامدهای آن، نقش در سیاست جنایی و پیشگیری از جرم، ارتباط با اصول بنیادین حقوق جزا و بررسی اسناد و محاکم بین‌المللی می‌پردازد تا تصویری جامع از اهمیت و کاربرد این اصل در تحقق عدالت کیفری ارائه دهد.

### ۱- اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها

اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها از حیث لغوی، متشکل از «اصل» به‌عنوان قاعده‌ای بنیادین و «قانونی بودن» به‌معنای انتساب مستقیم امر مورد نظر به قانون مصوب است. واژه «جرم» در زبان حقوقی، ناظر بر رفتاری است که نظم عمومی را نقض می‌کند و «مجازات» نیز به ضمانت اجرای مقرر برای آن رفتار اطلاق می‌شود. در این چارچوب زبانی، اصل قانونی بودن دلالت بر آن دارد که تحقق جرم و اعمال مجازات، منوط به وجود قاعده‌ای پیشینی، مکتوب و الزام‌آور است (حسن‌زاده، ۱۴۰۰: ۴۵).

در معنای اصطلاحی در حقوق ایران، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها به قاعده‌ای اطلاق می‌شود که بر اساس آن، هیچ فعل یا ترک فعلی جرم محسوب نمی‌شود و هیچ مجازاتی قابل اعمال نیست، مگر آنکه پیش از ارتکاب، به‌موجب قانون برای آن عنوان مجرمانه و ضمانت اجرا تعیین شده باشد. این اصل، هم ناظر بر صلاحیت انحصاری قانون‌گذار در جرم‌انگاری است و هم محدودکننده اختیار قاضی در تعیین و اعمال مجازات، به‌نحوی که تفسیر یا توسعه مقررات به زیان متهم مجاز شمرده نمی‌شود (بکاریا، ۱۳۷۴: ۵۴).

در نظام کیفر بین‌المللی نیز اصل قانونی بودن، با همان بار مفهومی، اما در بستری فراملی مطرح می‌گردد. در این نظام، رفتارهایی که به‌عنوان جنایات بین‌المللی شناخته می‌شوند،

در دنیای امروز، که تحولات اجتماعی و فناوری باعث پیچیدگی بیش از پیش نظام‌های کیفری شده است، اصل قانونی بودن به‌عنوان یکی از ارکان اساسی حقوق جزا اهمیت ویژه‌ای یافته است. این اصل نه تنها چارچوبی برای جرم‌انگاری و تعیین مجازات فراهم می‌آورد، بلکه تضمین‌کننده امنیت حقوقی، عدالت و شفافیت در اقدامات قضایی است و از خودسرانگی مقامات قضایی جلوگیری می‌کند. در نظام حقوقی ایران، قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری با صراحت بر پیش‌بینی جرم و مجازات و مسئولیت فردی متهم تأکید دارند. این قوانین، اجرای عدالت کیفری را در چهارچوب مشخص قانونی محدود کرده و تضمین می‌کنند که متهمان از حقوق دفاعی خود بهره‌مند شوند و هیچ مجازاتی خارج از نص قانونی اعمال نشود.

در سطح بین‌المللی، اصل قانونی بودن در اسناد و کنوانسیون‌های مختلف، از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، تثبیت شده است. این چارچوب قانونی فراملی، امکان تعقیب جرایم جنگی، جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی را فراهم می‌آورد و از صدور احکام پسینی و خودسرانه جلوگیری می‌کند. اجرای اصل قانونی بودن، علاوه بر تأمین عدالت، نقش پیشگیرانه نیز دارد. تعریف دقیق مصادیق جرایم و تعیین مجازات‌ها، رفتارهای مجرمانه را محدود و احتمال ارتکاب جرایم شدید را کاهش می‌دهد و بازدارندگی مؤثری برای سیاست جنایی ملی و بین‌المللی ایجاد می‌کند.

این پژوهش با هدف بررسی جایگاه اصل قانونی بودن در حقوق ایران و نظام بین‌المللی، به تحلیل مبانی فقهی و

نوع دوم، اصل قانونی بودن شکلی یا آئینی<sup>۲</sup> است که بر رعایت دقیق تشریفات دادرسی کیفری تأکید دارد. مطابق این نوع، رسیدگی به جرایم، اعمال مجازات و استفاده از ابزارهای محدودکننده آزادی افراد باید مطابق مقررات قانونی و مراحل پیش‌بینی شده در آیین دادرسی کیفری صورت گیرد. این نوع قانونی بودن، تضمین‌کننده حقوق متهم و مشروعیت فرآیند کیفری است (نیکنام، ۱۳۹۲: ۴۷).

نوع سوم، اصل قانونی بودن کیفری بین‌المللی<sup>۳</sup> است که در نظام‌های حقوقی فراملی مورد توجه قرار می‌گیرد. در این چارچوب، اعمال مجازات برای جرایم بین‌المللی تنها زمانی مشروع است که پیش از ارتکاب جرم، در اسناد معتبر بین‌المللی یا عرف پذیرفته‌شده جرم‌انگاری شده باشد و مجازات مشخصی برای آن تعیین شده باشد. این نوع، پیش‌بینی‌پذیری و مشروعیت اقدامات کیفری در سطح بین‌المللی را تضمین می‌کند (کریمی خیابوی، ۱۳۹۹: ۳۸).

همچنین می‌توان اصل قانونی بودن نسبی را نیز برشمرد که اشاره به محدودیت اعمال مجازات‌های تبعی یا موسع به دیگران دارد و تلاقی نزدیکی با اصل شخصی بودن مجازات دارد. بدین ترتیب، انواع مختلف اصل قانونی بودن، در کنار هم، چارچوبی منسجم و چندبعدی ایجاد می‌کنند که هم مشروعیت ماهوی و شکلی مجازات‌ها را تضمین کرده و هم حقوق متهم و امنیت حقوقی جامعه را حفظ می‌نماید.

تنها زمانی قابلیت تعقیب و مجازات دارند که در اسناد معتبر بین‌المللی یا قواعد پذیرفته‌شده عرفی، پیشاپیش جرم‌انگاری شده باشند. افزون بر این، تعیین نوع و میزان مجازات نیز باید مبتنی بر قواعد مشخص و قابل دسترس باشد تا اصل پیش‌بینی‌پذیری حقوقی مخدوش نگردد (رحمدل، ۱۳۹۶: ۷۶).

در پیوند میان حقوق ایران و نظام کیفر بین‌المللی، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها به‌عنوان نقطه تلاقی حاکمیت قانون داخلی و تعهدات بین‌المللی جلوه‌گر می‌شود؛ به‌گونه‌ای که این اصل، هم ضامن حمایت از حقوق فردی در برابر قدرت کیفری دولت است و هم معیاری برای مشروعیت اعمال صلاحیت کیفری در سطح بین‌المللی محسوب می‌شود، بی‌آنکه مرجعیت قانون به‌عنوان سرچشمه الزام حقوقی تضعیف گردد.

همچنین، اصل قانونی بودن، در نظام‌های کیفری و حقوق جزای ایران، قابل تقسیم به چند نوع است که هر یک ابعاد مشخصی از محدودیت و مشروعیت اعمال قدرت کیفری را تبیین می‌کند. نخستین نوع، اصل قانونی بودن ماهوی<sup>۱</sup> است که بیان می‌کند هیچ رفتاری جرم محسوب نمی‌شود مگر آنکه پیشاپیش و صراحتاً توسط قانون جرم‌انگاری شده باشد و برای آن مجازات تعیین شده باشد. این نوع، ستون فقرات اصل قانونی بودن را شکل می‌دهد و منع خودسرانه‌سازی جرم‌انگاری را تضمین می‌کند (عباسی، ۱۳۷۲: ۲۵).

<sup>۲</sup> - Legality in International Criminal Law

<sup>۱</sup> - Substantive Legality

<sup>۲</sup> - Procedural Legality

اعمال شده است. اصل قانونی بودن در تعیین مجازات، قاعده‌ای است که مقرر می‌دارد هیچ مجازاتی بدون پیش‌بینی قانونی قابل اعمال نیست و میزان و نوع مجازات باید از پیش در قانون مشخص شده باشد. این اصل، مانع از اجرای مجازات‌های خودسرانه و غیرمتناسب می‌شود و امنیت حقوقی افراد را تقویت می‌کند.

در حقوق ایران، ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تصریح دارد که هیچ عملی جرم محسوب نمی‌شود و هیچ مجازاتی اعمال نمی‌گردد مگر مطابق قانون. همچنین مواد ۵ و ۱۹ همین قانون به قاضی دستور می‌دهند که در تعیین میزان مجازات، شدت جرم، آثار آن و معیارهای تعیین شده قانونی را مدنظر قرار دهد. این مقررات، تعیین مجازات را تابعی از قواعد از پیش تعیین شده و قابل پیش‌بینی می‌سازد (صالحی، ۱۳۹۷: ۲۸).

اصل قانونی بودن در تعیین مجازات، پیوندی مستقیم با اصل تناسب دارد. بدین ترتیب، مجازات نباید فراتر از شدت جرم باشد و باید با نوع و آثار رفتار مجرمانه تناسب داشته باشد. همچنین این اصل با اصل شخصی بودن مجازات نیز مرتبط است، زیرا مجازات باید صرفاً متوجه مرتکب باشد و شامل اشخاص ثالث نشود. از این منظر، اصل قانونی بودن در تعیین مجازات، نه تنها محدودکننده اختیارات قاضی و مقامات اجرایی است، بلکه ابزار تضمین عدالت کیفری، پیش‌بینی‌پذیری و احترام به حقوق فردی متهم نیز محسوب می‌شود و اعتبار نظام کیفری را در سطح داخلی و بین‌المللی تثبیت می‌کند (خوش چهره، ۱۳۹۹: ۴۱).

۱-۱- فلسفه حقوقی اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها

یکی از ارکان بنیادین نظام کیفری، تعیین دقیق حدود رفتارهای مجرمانه و تضمین پیش‌بینی‌پذیری مسئولیت کیفری است. اصل قانونی بودن در این زمینه، قاعده‌ای است که هرگونه وصف کیفری را منوط به نص قانونی می‌داند و مانع از آن می‌شود که قضاوت یا اعمال مجازات بر پایه برداشت‌های سلیقه‌ای یا تفسیرهای موسع صورت گیرد. این اصل، امنیت حقوقی افراد را تضمین و مشروعیت نظام کیفری را تقویت می‌کند (نیک‌نفس و گماری، ۱۳۸۲: ۱۶۲).

در حقوق ایران، ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیانگر این محدودیت است؛ طبق این ماده، هیچ عملی جرم محسوب نمی‌شود مگر آنکه پیشاپیش توسط قانون جرم‌انگاری شده باشد و برای آن مجازات مشخص تعیین شده باشد. این مقرر، تحقق وصف کیفری را صرفاً در چهارچوب قانون ممکن می‌سازد و هرگونه اقدام خارج از آن را فاقد مشروعیت اعلام می‌کند. ارتباط این اصل با سایر قواعد بنیادین حقوق جزا نیز آشکار است. با اصل برائت هم‌پیوند است، زیرا تا زمانی که عمل فرد مطابق قانون جرم تشخیص داده نشده باشد، او بی‌گناه تلقی می‌شود. همچنین با اصل شخصی بودن مجازات همسوست، چرا که جرم باید صرفاً متوجه مرتکب باشد و دیگران به دلیل ارتباط با او تحت مؤاخذة قرار نگیرند (منصف، ۱۳۹۸: ۵۲).

بدین ترتیب، اصل قانونی بودن در تعریف جرم، ستون فقرات مشروعیت ماهوی نظام کیفری است؛ این اصل محدوده مسئولیت کیفری را مشخص می‌کند، اعمال قدرت قضایی را مقید می‌سازد و امکان تحقق عدالت و پیش‌بینی‌پذیری در نظام کیفری را فراهم می‌آورد. یکی از چالش‌های اصلی نظام کیفری، تضمین هم‌سویی میان جرم ارتكابی و مجازات

است که اعمال قدرت را مقید، مسئولیت را معقول و مجازات را در چهارچوب قواعد از پیش تعیین شده تعریف می‌کند.

۱-۲- تاریخچه شکل‌گیری اصل قانونی بودن در نظام‌های کیفری

تاریخچه شکل‌گیری اصل قانونی بودن در نظام‌های کیفری، ریشه‌های عمیق در تحولات فکری، اجتماعی و حقوقی اروپا و سپس سایر نظام‌های حقوقی جهان دارد. این اصل در پاسخ به تجربه‌های تاریخی اعمال مجازات‌های خودسرانه و سلیقه‌ای توسط حکام و دستگاه قضایی ظهور کرد و به‌عنوان راهکاری برای محدود کردن اقتدار مطلق و تضمین امنیت حقوقی افراد مطرح گردید. در ابتدا، اصول اولیه آن در فلسفه حقوق طبیعی و اندیشه‌های عدالت محور دوران رنسانس و روشنگری شکل گرفت (کلانتری، ۱۳۷۵: ۴۴).

نخستین تجلی حقوقی اصل قانونی بودن در اروپا، به آثار متفکرانی همچون چارلز دومتی و بکارگیری نظریات منتسکیو و بکان بازمی‌گردد. این متفکران با تأکید بر ضرورت تقسیم قدرت، محدودیت حاکمیت مطلق و پیش‌بینی مجازات‌ها در قانون، زمینه نظری قانون‌محوری در کیفری را فراهم کردند. به‌ویژه، بکان با تأکید بر پیش‌بینی و شفافیت قانون در مقابله با جرم و مجازات، نقش مهمی در تثبیت این اصل ایفا نمود. با تدوین قوانین مدرن کیفری، این اصل به شکل صریح در متون قانونی وارد شد. نمونه شاخص آن، ماده ۱ قانون جرایم و مجازات فرانسه ۱۷۹۱ است که مقرر می‌داشت هیچ رفتاری جرم تلقی نمی‌شود مگر اینکه قانون آن را جرم بداند و مجازات آن نیز مشخص شده باشد. این اقدام، پیش‌گامی در نظام‌های کیفری مدرن بود و به الگوی بسیاری از کشورها در قانون‌گذاری کیفری تبدیل شد (پورهاشمی، ۱۳۸۶: ۶۷).

فلسفه اصل قانونی بودن جرم و مجازات بر اندیشه‌های استوار است که اعمال قدرت کیفری را امری استثنایی و نیازمند توجیه عقلانی و هنجاری می‌داند. در این چارچوب، قانون به‌عنوان تنها منبع مشروع ایجاد جرم و تعیین مجازات شناخته می‌شود و هرگونه مداخله کیفری خارج از آن، فاقد توجیه معتبر تلقی می‌گردد. چنین نگرشی واکنشی است به تجربه تاریخی بی‌ضابطه بودن مجازات‌ها و پیامدهای آن در تزلزل عدالت و نظم اجتماعی. این اصل بر پیش‌فرض آگاهی و قابلیت انتخاب افراد مبتنی است؛ بدین معنا که انتساب مسئولیت کیفری زمانی موجه است که فرد امکان شناخت ممنوعیت رفتاری و پیامدهای آن را داشته باشد. جرم‌انگاری پسینی یا اعمال مجازات بدون اعلام قبلی قاعده، این امکان را سلب کرده و مسئولیت را به امری تحمیلی و غیرمنطقی بدل می‌سازد. از این رو، اصل قانونی بودن شرط عقلانی شدن نظام مسئولیت کیفری به شمار می‌آید (کی‌نیا، ۱۳۹۰: ۶۳).

افزون بر این، اصل قانونی بودن نقش مهمی در تضمین امنیت حقوقی ایفا می‌کند؛ امنیتی که لازمه تنظیم رفتارهای فردی و اجتماعی است. شفافیت در تعریف جرایم و مجازات‌ها، حدود مداخله دولت را مشخص ساخته و از تفسیرهای موسع و پیش‌بینی‌ناپذیر جلوگیری می‌کند. چنین وضعیتی، نه تنها از تعرض ناروا به آزادی‌های فردی می‌کاهد، بلکه به ثبات و انسجام نظام کیفری نیز یاری می‌رساند (بیات، ۱۳۹۰: ۸۵).

در یک نگاه نظری، اصل قانونی بودن بیانگر گذار از عدالت مبتنی بر اراده به عدالت مبتنی بر قاعده است؛ عدالتی که در آن قانون، معیار سنجش مشروعیت واکنش کیفری محسوب می‌شود. این اصل نشان می‌دهد که نظام کیفری معتبر، نظامی

وضوح قابل مشاهده است. مواد ۲ و ۳ قانون مجازات اسلامی تصریح دارند که هیچ رفتاری جرم محسوب نمی‌شود مگر مطابق قانون و مجازات آن پیشاپیش تعیین شده باشد و رسیدگی کیفری باید منطبق بر تشریفات قانونی انجام گیرد. افزون بر این، در مراحل دادرسی، اصولی همچون حق دفاع، تناسب مجازات و ممنوعیت تفسیر موسع به زیان متهم، توسعه عملی اصل قانونی بودن را نشان می‌دهد (قاسمی، ۱۳۹۸: ۸۳).

به این ترتیب، اصل قانونی بودن در نظام‌های معاصر فراتر از محدودسازی ماهوی مجازات، به ابزاری برای تضمین عدالت شکلی، حقوق متهم و مشروعیت نظام کیفری تبدیل شده است؛ بدین معنا که هم مشروعیت اعمال قدرت کیفری و هم حفظ آزادی‌ها و امنیت حقوقی افراد به‌طور همزمان تأمین می‌شود و نظام کیفری به سمت شفافیت، عدالت و پیش‌بینی‌پذیری هدایت می‌گردد. تبیین فلسفی و نظری اصل قانونی بودن، ریشه در اندیشه‌های کلاسیک حقوق کیفری دارد که سعی کردند محدودیت اعمال قدرت کیفری و پیش‌بینی‌پذیری مسئولیت جزایی را توضیح دهند. این نظریه‌ها، محور اصلی خود را بر ضرورت وجود قانون روشن، صریح و عمومی برای تعریف جرم و تعیین مجازات قرار داده‌اند و با هدف جلوگیری از خودسرانگی و اعمال مجازات‌های نامتناسب، چارچوب فکری نظام کیفری مدرن را شکل داده‌اند (مدنی، ۱۳۹۷: ۶۵).

نظریه حقوق طبیعی یکی از پایه‌های کلاسیک این اصل است. حقوق دانان طبیعی‌گرا، از جمله توماس هابز و جان لاک، بر این باور بودند که هرگونه محدودیت آزادی‌های فردی باید مبتنی بر قواعد عقلانی و عمومی باشد و اعمال مجازات بدون

در نظام حقوق ایران نیز، پس از تأثیرپذیری از جریان‌های فکری مدرن و ضرورت انطباق با اصول عدالت کیفری، اصل قانونی بودن در قوانین مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بازتاب یافته است. این اصل، به‌ویژه در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی، مبنای مشروعیت و اعتبار هر نوع جرم‌انگاری و اعمال مجازات قرار گرفته و بیانگر استمرار روند جهانی‌سازی و قانون‌محوری در حقوق کیفری معاصر است (افشار، ۱۳۹۶: ۵۹).

ایضاً اینکه، توسعه اصل قانونی بودن در نظام‌های معاصر نشان‌دهنده تحول فکری و حقوقی است که از تجربه تاریخی اعمال مجازات‌های سلیقه‌ای و خودسرانه نشأت گرفته است. این تحول، نه تنها محدود به تعریف جرایم و تعیین مجازات‌هاست، بلکه شامل شفاف‌سازی فرآیند دادرسی، تضمین حقوق متهم و تأکید بر تناسب مجازات با جرم نیز می‌شود. به این ترتیب، اصل قانونی بودن از یک قاعده صرفاً ماهوی به یک اصل فراگیر در تمام مراحل عدالت کیفری تبدیل شده است.

در حقوق کیفری مدرن، این اصل به شکل صریح در قوانین داخلی و معاهدات بین‌المللی مشاهده می‌شود. برای مثال، ماده ۷ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مقرر می‌دارد که هیچ‌کس نمی‌تواند برای عملی که در زمان ارتکاب آن جرم محسوب نمی‌شده، مورد مجازات قرار گیرد و مجازات‌ها باید طبق قانون تعیین شوند. این رویکرد، پیش‌بینی‌پذیری، شفافیت و محدودیت اعمال قدرت کیفری را در سطح فراملی تضمین می‌کند (پرادل، ۱۳۹۲: ۶۶).

در نظام حقوق ایران نیز توسعه این اصل با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به

اصل قانونی بودن در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی، به‌عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق کیفری و حقوق بشر، جایگاهی ویژه دارد و به‌روشنی محدودیت اعمال قدرت کیفری دولت‌ها و سازمان‌های قضایی را تبیین می‌کند. این اصل در سطح بین‌المللی، تضمین می‌کند که هیچ شخصی به دلیل عملی که در زمان ارتکاب آن جرم محسوب نمی‌شده، مورد مؤاخذة یا مجازات قرار نگیرد و هرگونه مجازات باید مطابق قانون تعیین شده باشد. به عبارت دیگر، اصل قانونی بودن، پیش‌بینی‌پذیری و مشروعیت اعمال قدرت کیفری را در سطح فراملی تضمین می‌کند (سلیمی ترکمانی و حاضر وظیفه قره‌باغ، ۱۳۹۹: ۳۰۵).

از جمله اسناد معتبر بین‌المللی که بر این اصل تأکید دارند، می‌توان به ماده ۷ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر اشاره کرد که مقرر می‌دارد هیچ‌کس نباید برای عملی که در زمان ارتکاب آن جرم نبوده، مجازات شود و هیچ مجازاتی فراتر از آنچه قانون تعیین کرده است، اعمال نخواهد شد. همچنین ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، همان رویکرد را تأیید می‌کند و بر ضرورت پیش‌بینی قانونی جرم و مجازات تأکید دارد. این اصل در نظام کیفری بین‌المللی، از جمله در محاکم بین‌المللی کیفری، نیز جایگاه کلیدی دارد. اعمال تعقیب و صدور حکم علیه جنایات بین‌المللی، از جمله جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی، تنها زمانی مشروع است که پیشاپیش در اسناد بین‌المللی یا عرف پذیرفته‌شده جرم‌انگاری شده باشند. این رویکرد از قضاوت‌های پسینی و خودسرانه جلوگیری کرده و مشروعیت

پیش‌بینی قانونی، ناقض کرامت انسانی و نظم اجتماعی تلقی می‌شود. این نظریه، پایه‌های فلسفی اصل قانونی بودن ماهوی را فراهم می‌آورد (صادقی، ۱۳۹۱: ۷۴).

نظریه ابزاری یا سودگرایانه<sup>۱</sup>، از دیگر رویکردهای کلاسیک است که تمرکز آن بر هدفمند بودن مجازات و بازدارندگی آن است. فیلسوفانی مانند جرمی بنتام تأکید داشتند که پیش‌بینی قانونی جرم و مجازات، نه تنها عدالت را تضمین می‌کند بلکه موجب کاهش تصادفی جرایم و افزایش امنیت اجتماعی می‌شود. از این منظر، اصل قانونی بودن وسیله‌ای برای کارآمدی و مشروعیت نظام کیفری به شمار می‌آید (ممتاز، ۱۳۸۱: ۸۶).

همچنین نظریه عدالت کلاسیک یا جرم‌شناسی کلاسیک، به‌ویژه توسط سزار بکاریا توسعه یافته است. این رویکرد بر ضرورت تعیین دقیق حدود مسئولیت کیفری، منع مجازات‌های خودسرانه و تناسب جرم و مجازات تأکید دارد. بر اساس این نظریه، پیش‌بینی قانونی جرم و مجازات، شرط اولیه مشروعیت هر اقدام کیفری است و پایه تبیینی عملی اصل قانونی بودن را تشکیل می‌دهد. این سه نظریه کلاسیک، اساس فهم فلسفی و حقوقی اصل قانونی بودن و چارچوب حقوق کیفری مدرن را شکل داده‌اند (سزار، ۱۳۷۴: ۶۶).

۳-۱- جایگاه اصل قانونی بودن در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی

<sup>۱</sup> - Utilitarian

باید مطابق قانون تعیین شود. این اصول، پیش‌بینی‌پذیری و امنیت حقوقی افراد را تضمین و از تعرض غیرقانونی به حقوق بشر جلوگیری می‌کند (گماری، ۱۳۷۸: ۸۶).

به این ترتیب، جایگاه اصل قانونی بودن در حمایت از حقوق بشر بسیار برجسته است؛ این اصل محدودیت قانونی برای اعمال قدرت کیفری ایجاد می‌کند، امنیت حقوقی و کرامت فردی را تضمین می‌نماید و زمینه تحقق عدالت کیفری متوازن و مشروع را فراهم می‌آورد.

۲- جایگاه اصل قانونی بودن جرم و کیفر در نظام حقوقی ایران

۲-۱- چارچوب اصل قانونی بودن جرم و مجازات

قانون اساسی ایران، به‌عنوان مبنای کلان نظام حقوقی کشور، چارچوب قانونی و هنجاری اصل قانونی بودن را به‌صورت صریح و ضمنی تأمین کرده است. این اصل، با محدود کردن اعمال قدرت کیفری و الزام همه مقامات قضایی و اجرایی به عمل مطابق قانون، پیش‌بینی‌پذیری و مشروعیت نظام کیفری را تضمین می‌کند (عباسی، ۱۳۷۲: ۴۸).

ماده ۱۶۸ قانون اساسی به‌طور خاص، قوه قضائیه را مکلف می‌کند تا «دادگاه‌ها مطابق مقررات اسلامی و قوانین موضوعه» عمل کنند و هیچ‌گونه اعمال قدرت قضایی خارج از چارچوب قانون را جایز نمی‌داند. این ماده، پایه قانونی اجرای اصل قانونی بودن را فراهم می‌کند و اختیار قضات را در تعیین جرم و مجازات مقید می‌سازد (صالحی، ۱۳۹۷: ۳۷).

علاوه بر آن، اصل ۳۶ قانون اساسی بر تضمین آزادی‌های فردی و ممنوعیت اعمال هرگونه مجازات یا محدودیت بدون حکم قانونی تأکید دارد. این اصل با ایجاد چارچوب حقوقی

اقدامات کیفری بین‌المللی را تقویت می‌کند (رنجبر نقدعلی علیا، ۱۳۹۷: ۴۴).

به این ترتیب، اصل قانونی بودن در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی نه تنها چارچوبی برای پیش‌بینی‌پذیری و امنیت حقوقی افراد فراهم می‌آورد، بلکه معیار سنجش مشروعیت و عدالت اقدامات کیفری را در سطح فراملی تعیین می‌کند و همسو با حقوق بشر، محدودیت‌های لازم برای اعمال قدرت کیفری را تضمین می‌نماید. تضمین حقوق بشر، از اهداف بنیادین نظام‌های حقوقی معاصر است و اصل قانونی بودن یکی از مهم‌ترین ابزارهای تحقق این هدف به شمار می‌رود. این اصل، با محدود کردن قدرت کیفری دولت و الزام آن به عمل صرفاً در چارچوب قانون، مانع از اعمال مجازات‌های خودسرانه، شکنجه یا مجازات‌های تحقیرآمیز می‌شود. بدین ترتیب، رعایت کرامت و آزادی‌های فردی در نظام کیفری به‌صورت مؤثر تضمین می‌گردد (حاجی ملا و محمدی، ۱۴۰۰: ۴۵).

در حقوق ایران، ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تبلور این رویکرد است. این ماده تصریح می‌کند که هیچ عملی جرم محسوب نمی‌شود و هیچ مجازاتی اعمال نمی‌گردد مگر مطابق قانون. همچنین مواد آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بر رعایت حقوق متهم، از جمله حق دفاع، حضور در دادرسی و بهره‌مندی از تشریفات قانونی تأکید دارند. این الزامات، تحقق اصل قانونی بودن را با صیانت از حقوق اساسی افراد پیوند می‌دهد (فنائی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۱).

از منظر حقوق بین‌الملل، ماده ۷ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، تصریح می‌کنند که هیچ‌کس نباید برای عملی که در زمان ارتکاب آن جرم نبوده، مورد مجازات قرار گیرد و هر مجازات

اصل دیگر، اصل برابری در اعمال قانون است که حکایت از آن دارد که همه افراد، فارغ از موقعیت اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی، باید در برابر قانون یکسان رفتار شوند. این اصل از اعمال تبعیض آمیز و خودسرانه جلوگیری می‌کند و مشروعیت حاکمیت قانون را تقویت می‌نماید (ارمغانی و سلیمانی، ۱۴۰۴: ۱۴).

علاوه بر این، اصل استقلال قضایی و رعایت دادرسی عادلانه نیز از اصول مرتبط با حاکمیت قانون است. این اصل تضمین می‌کند که قضاوت بر اساس معیارهای قانونی و بی‌طرفانه انجام شود و متهمان از حقوق دفاعی خود برخوردار باشند (حاجی‌ملا و محمدی، ۱۴۰۰: ۳۸).

مجموع این اصول، چارچوبی منسجم فراهم می‌آورد که نه تنها حاکمیت قانون را محقق می‌سازد، بلکه عدالت، امنیت حقوقی و اعتماد عمومی به نظام حقوقی را تقویت می‌کند.

۲-۳- بررسی اصل قانونی بودن جرم و کیفر از منظر قانون مجازات اسلامی

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به‌عنوان مهم‌ترین متن قانونی در نظام کیفری ایران، تجلی عملی اصل قانونی بودن در تعیین جرم و مجازات است. این قانون تلاش کرده است چارچوبی روشن و مشخص برای جرم‌انگاری و تعیین مجازات‌ها فراهم آورد تا اعمال قدرت کیفری صرفاً در چارچوب نصوص قانونی و با رعایت حقوق متهم انجام شود (برزگرزاده، ۱۳۹۴: ۵۰).

برای حفاظت از کرامت و آزادی افراد، تحقق پیش‌بینی‌پذیری و رعایت حقوق دفاعی متهم را تضمین می‌کند و نقش تکمیلی در اجرای اصل قانونی بودن ایفا می‌نماید (مهروی و طالع‌زاری، ۱۳۹۵: ۴).

بنابراین، چارچوب قانونی اصل قانونی بودن در قانون اساسی ایران، از طریق محدودسازی قدرت کیفری، الزام مقامات قضایی به تبعیت از قانون و حفاظت از آزادی‌ها و حقوق فردی، بنیان مشروعیت و عدالت کیفری را تقویت می‌کند و زمینه اجرای شفاف و منضبط قوانین کیفری را فراهم می‌آورد.

۲-۲- اصول مرتبط با حاکمیت قانون

حاکمیت قانون<sup>۱</sup> به‌عنوان یکی از اصول بنیادین هر نظام حقوقی، مستلزم وجود مجموعه‌ای از اصول مکمل است که تضمین‌کننده مشروعیت، شفافیت و عدالت در اعمال قدرت‌اند. این اصول، نه تنها چارچوب اجرای قانون را مشخص می‌کنند، بلکه محدودیت‌های لازم برای جلوگیری از خودسرانگی و حمایت از حقوق فردی را برقرار می‌سازند.

یکی از اصول مرتبط، اصل قانونی بودن است که مقرر می‌دارد هیچ رفتاری بدون پیش‌بینی قانونی جرم محسوب نمی‌شود و هیچ مجازاتی بدون نص قانونی اعمال نخواهد شد. این اصل پایه‌ای‌ترین سازوکار برای تضمین پیش‌بینی‌پذیری قوانین و محدود کردن قدرت اجرایی و قضایی است (فنائی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰۸).

<sup>۱</sup> - Rule of Law

برای تعریف جرم و تعیین مجازات فراهم می‌آورد و مانع از خودسرانگی مقامات قضایی و اجرای مجازات‌های غیرقانونی می‌شود. به عبارت دیگر، پیش‌بینی‌پذیری و مشروعیت سیاست جنایی ایران، مبتنی بر رعایت این اصل است. یکی از نقش‌های مهم اصل قانونی بودن، تعیین محدوده اختیارات دستگاه قضایی و اجرایی است. در نظام کیفری ایران، قانون‌گذار با تدوین نصوص دقیق در قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری، چارچوب مشخصی برای اعمال مجازات‌ها و رسیدگی به جرایم فراهم کرده است. این اقدام، امکان تصمیم‌گیری سلیقه‌ای قضات و مقامات را محدود می‌کند و تضمین می‌کند که سیاست جنایی مبتنی بر نص قانونی و عدالت کیفری باشد (رحمدل، ۱۳۹۶: ۶۴).

اصل قانونی بودن همچنین با تأکید بر پیش‌بینی‌پذیری رفتارهای مجرمانه و پیامدهای آن‌ها، به بازدارندگی قانونی و پیشگیری از جرم کمک می‌کند. وقتی شهروندان بدانند چه رفتاری جرم است و مجازات آن چه خواهد بود، احتمال ارتکاب جرم کاهش می‌یابد. این رویکرد، سیاست جنایی را از حالت صرفاً واکنشی به جرم، به سیاستی پیشگیرانه و اصلاح‌گر تبدیل می‌کند (گوروویچ، ۱۳۶۳: ۴۷).

یکی دیگر از ابعاد اثرگذاری این اصل، تناسب جرم و مجازات است. قانون مجازات اسلامی مواد ۵ و ۱۹ را به‌گونه‌ای تدوین کرده است که مجازات‌ها با شدت و نوع جرم هم‌سویی داشته باشند. این چارچوب، سیاست جنایی را به سمت عدالت و حفظ حقوق فردی سوق می‌دهد و از اعمال مجازات‌های غیرمتناسب و تحقیرآمیز جلوگیری می‌کند (مومنی، ۱۳۹۵: ۱۸۲).

ماده ۲ قانون مجازات اسلامی، اساس این اصل را بیان می‌کند و تصریح دارد که هیچ عملی جرم محسوب نمی‌شود مگر مطابق قانون و هیچ مجازاتی بدون پیش‌بینی قانونی قابل اعمال نیست. این ماده، تضمین‌کننده پیش‌بینی‌پذیری حقوقی و محدودسازی خودسرانگی مقامات قضایی و اجرایی است و ستون فقرات اجرای عدالت کیفری در ایران را تشکیل می‌دهد (قاسمی، ۱۳۹۸: ۷۴).

علاوه بر آن، مواد ۵ و ۱۹ قانون مجازات اسلامی بر تناسب جرم و مجازات تأکید دارند و مقرر می‌کنند که مجازات‌ها باید با شدت و نوع جرم هم‌سویی داشته باشند. این مقررات، اجرای اصل قانونی بودن را تقویت می‌کنند، زیرا قاضی تنها مجاز به اعمال مجازات‌هایی است که قانون پیش‌بینی کرده و با ماهیت جرم مطابقت دارد، و از افراط یا تفریط در صدور حکم جلوگیری می‌شود (پوربافرانی، ۱۳۹۴: ۶۵).

همچنین، آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، با پیش‌بینی حقوق دفاعی متهم و الزام رعایت تشریفات قانونی، به‌عنوان مکمل قانون مجازات اسلامی عمل می‌کند. این امر تضمین می‌کند که اجرای اصل قانونی بودن نه تنها در مرحله جرم‌انگاری، بلکه در تمامی مراحل رسیدگی و اجرای مجازات رعایت شود و نظام کیفری ایران به‌صورت شفاف، منضبط و مشروع عمل نماید.

#### ۴-۲- جایگاه اصل قانونی بودن در سیاست جنایی ایران

سیاست جنایی در ایران به‌عنوان مجموعه‌ای از قواعد و رویه‌ها برای مقابله با جرم و تضمین نظم اجتماعی، متأثر از اصول بنیادین حقوق کیفری است و اصل قانونی بودن در این زمینه جایگاهی محوری دارد. این اصل، چارچوب قانونی مشخصی

رعایت تناسب جرم و مجازات انجام شود (صالحی، ۱۳۹۷: ۶۸).

جرایم سایبری، از جمله دسترسی غیرمجاز به سامانه‌ها، انتشار محتوای غیرمجاز و نفوذ به اطلاعات محرمانه، به دلیل گستردگی و غیرمحسوس بودن، نیازمند قانون‌گذاری دقیق و شفاف هستند. قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ نمونه‌ای از پاسخ قانونی به این نیاز است که محدوده رفتارهای مجرمانه و مجازات‌های مرتبط را مشخص کرده و از اعمال خودسرانه جلوگیری می‌کند (ملکی قراجه، ۱۴۰۲: ۷۵).

در حوزه امنیتی، جرایمی مانند جاسوسی، همکاری با دشمنان کشور و اقدامات علیه امنیت ملی، حساسیت بالایی دارند و قانون‌گذار با تدوین مقررات ویژه، شامل قوانین مبارزه با تروریسم و قوانین مرتبط با اطلاعات محرمانه، تلاش کرده است تعادل میان حفاظت از امنیت ملی و رعایت حقوق فردی متهمان را برقرار سازد. رعایت اصل قانونی بودن در این زمینه، تضمین‌کننده مشروعیت اقدامات قضایی و جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی است (خدابین، ۱۳۹۷: ۳۵).

اجرای عدالت کیفری در این جرایم نیازمند تشریفات دادرسی دقیق و نظارت قضایی مؤثر است. آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با پیش‌بینی حقوق دفاعی متهم و امکان تجدیدنظر و اعتراض، اطمینان می‌دهد که رسیدگی به جرایم اقتصادی، سایبری و امنیتی در چهارچوب قانون و بدون تجاوز به حقوق فردی انجام شود (همان منبع، ۳۶).

به این ترتیب، بررسی جرایم خاص اقتصادی، سایبری و امنیتی نشان می‌دهد که قانون‌گذاری دقیق، رعایت اصل قانونی بودن و سازوکارهای نظارتی، نقش اساسی در تضمین

اصل قانونی بودن همچنین با تضمین حقوق دفاعی متهم و رعایت تشریفات قانونی، مشروعیت اجرای سیاست جنایی را افزایش می‌دهد. آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، با پیش‌بینی حقوق متهم در مراحل دادرسی و الزام به رعایت تشریفات قانونی، اجرای سیاست جنایی را تابع نظم حقوقی کرده و از خودسرانگی قضایی جلوگیری می‌کند (فنائی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰۴).

در نهایت، جایگاه اصل قانونی بودن در سیاست جنایی ایران، ایجاد توازن میان اقتدار کیفری دولت و حفاظت از حقوق فردی است. این اصل نه تنها تضمین‌کننده پیش‌بینی‌پذیری و مشروعیت اعمال مجازات‌هاست، بلکه سیاست جنایی را از حالت سلیقه‌ای و واکنشی خارج کرده و آن را به‌صورت شفاف، منضبط و مبتنی بر عدالت کیفری به اجرا درمی‌آورد.

همچنین، تحولات اقتصادی، فناوری و مسائل امنیتی، نظام کیفری ایران را با ضرورت جرم‌انگاری رفتارهای نوین مواجه کرده است. جرایم خاص اقتصادی، سایبری و امنیتی، به دلیل پیچیدگی و تأثیر گسترده بر نظم و امنیت جامعه، اهمیت ویژه‌ای دارند و اجرای اصل قانونی بودن در تعریف و مجازات آن‌ها، نقش کلیدی در مشروعیت نظام کیفری ایفا می‌کند.

در حوزه اقتصادی، جرایمی مانند اختلاس، پولشویی، کلاهبرداری مالی و تحصیل مال از طریق نامشروع، تهدید مستقیم برای ثبات اقتصادی و اعتماد عمومی به نظام مالی کشور هستند. قانون مجازات اسلامی و قوانین تکمیلی، مانند قانون مبارزه با پولشویی و مقررات بانک مرکزی، چارچوب قانونی مشخصی برای تعقیب و مجازات این جرایم فراهم آورده‌اند، تا اعمال مجازات‌ها مطابق اصل قانونی بودن و با

امنیت حقوقی و عدالت کیفری در سطح بین‌المللی تقویت می‌شود (طهماسبی، ۱۳۸۶: ۳۱).

علاوه بر این، رعایت اصل قانونی بودن در تعاملات بین‌المللی، معیار مشروعیت و اعتماد حقوقی میان کشورها محسوب می‌شود. نظام‌های کیفری که این اصل را رعایت می‌کنند، توانایی مشارکت در کنوانسیون‌ها و توافق‌نامه‌های بین‌المللی، مانند کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان‌یافته و مبارزه با تأمین مالی تروریسم را پیدا می‌کنند و جایگاه خود را در جامعه حقوقی بین‌المللی تثبیت می‌نمایند (مومنی، ۱۳۹۵: ۱۶۳).

### ۳-۲- حفاظت از حقوق متهمان

در سطح بین‌المللی، اصل قانونی بودن نقش مهمی در حفاظت از حقوق متهمان ایفا می‌کند و پایه‌ای برای تضمین دادرسی عادلانه و شفاف فراهم می‌آورد. رعایت این اصل، مانع از تعقیب یا مجازات افراد برای اعمالی می‌شود که در زمان ارتکابشان جرم محسوب نمی‌شده‌اند و بدین ترتیب از صدور احکام پستی یا خودسرانه جلوگیری می‌کند. این ویژگی، امنیت حقوقی متهمان را افزایش داده و امکان بهره‌مندی کامل از حقوق دفاعی را فراهم می‌آورد. یکی از جلوه‌های مهم این اصل، حفظ حقوق دفاعی متهمان در محاکم بین‌المللی است. متهمان باید بتوانند از وکیل استفاده کنند، مدارک خود را ارائه دهند و امکان اعتراض یا تجدیدنظر داشته باشند. رعایت اصل قانونی بودن تضمین می‌کند که این حقوق تنها محدود به مواردی است که قانون صراحتاً پیش‌بینی کرده و از هرگونه اعمال غیرقانونی جلوگیری می‌نماید (صالحی، ۱۳۹۷: ۵۵).

عدالت کیفری، پیشگیری از خودسرانگی و حفظ مشروعیت نظام کیفری دارند. این چارچوب، امکان مقابله مؤثر با جرایم پیچیده نوین را فراهم می‌آورد و همزمان کرامت و حقوق متهمان را نیز محافظت می‌کند.

### ۳- جایگاه اصل قانونی بودن جرم و کیفر در نظام بین‌المللی کیفری

۳-۱- اهمیت اصل قانونی بودن جرم و کیفر در سطح بین‌المللی اصل قانونی بودن در سطح بین‌المللی، یکی از شاخص‌های کلیدی رعایت حقوق بشر و مشروعیت نظام‌های کیفری است. این اصل به‌عنوان پایه‌ای برای تضمین پیش‌بینی‌پذیری و محدودسازی اعمال قدرت کیفری، در اسناد بین‌المللی مطرح شده و کشورها را ملزم می‌کند که هیچ رفتاری بدون پیش‌بینی قانونی جرم محسوب نشود و هیچ مجازاتی بدون نص قانونی اعمال نگردد. اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به‌طور صریح بر این اصل تأکید دارند. ماده ۷ این میثاق، اصل قانونی بودن جرم و مجازات را تثبیت می‌کند و مقرر می‌دارد که هیچ‌کس نباید برای عملی که در زمان ارتکاب آن جرم محسوب نمی‌شده، مجازات شود و همچنین هیچ مجازاتی نباید شدیدتر از آنچه در قانون پیش‌بینی شده است، اعمال گردد (جوانبخت و محمدی، ۱۳۹۵: ۱۷۳).

اصل قانونی بودن در سطح بین‌المللی، نقش مهمی در حمایت از کرامت و حقوق فردی متهمان ایفا می‌کند. این اصل از صدور احکام خودسرانه و مجازات‌های پستی جلوگیری می‌کند و تضمین می‌کند که هر اقدام کیفری مبتنی بر قواعد حقوقی روشن، شفاف و قابل پیش‌بینی باشد. بدین ترتیب،

جلوه‌های مهم، افزایش اعتماد جامعه بین‌المللی به نظام عدالت کیفری است. رعایت اصل قانونی بودن در دیوان‌ها و دادگاه‌های ویژه، نشان‌دهنده شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری عملکرد محاکم است و به کشورهای عضو و افکار عمومی اطمینان می‌دهد که عدالت فراملی به صورت منصفانه و قانونی اجرا می‌شود (قاسمی، ۱۳۹۸: ۷۶).

علاوه بر این، اصل قانونی بودن چارچوبی برای پیشگیری و بازدارندگی از جرایم بین‌المللی فراهم می‌آورد. تعریف دقیق مصادیق جرایم جنگی، جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی، رفتارهای مجرمانه را محدود کرده و امکان ارتکاب این جرایم را کاهش می‌دهد. این اصل همچنین هماهنگی میان نظام‌های حقوقی ملی و بین‌المللی را تسهیل می‌کند. با داشتن استانداردهای روشن برای جرم‌انگاری و مجازات، کشورها می‌توانند سیاست جنایی منسجم و هماهنگ در سطح فراملی اجرا کنند و از تضاد یا خلأ قانونی میان قوانین داخلی و بین‌المللی جلوگیری نمایند (پورهاشمی، ۱۳۸۶: ۳۵).

لذا، رعایت اصل قانونی بودن در سطح بین‌المللی، نه تنها موجب حفظ حقوق متهمان می‌شود، بلکه مشروعیت محاکم، پیشگیری از جرایم شدید و توسعه عدالت کیفری جهانی را تضمین می‌نماید و پایه‌ای مستحکم برای اجرای سیاست جنایی هماهنگ و شفاف فراهم می‌کند. اصل قانونی بودن از ارکان بنیادین توسعه عدالت کیفری در سطح جهانی به شمار می‌رود و اجرای آن، پیش‌بینی‌پذیری، شفافیت و مشروعیت اقدامات کیفری بین‌المللی را تضمین می‌کند. این اصل موجب می‌شود که هیچ فردی بدون پیش‌بینی قانونی جرم و مجازات تحت تعقیب قرار نگیرد و احکام قضایی صرفاً بر اساس نصوص قانونی و تعریف‌های مشخص صادر شود، امری که اعتماد

در پرونده‌های بین‌المللی، مشاهده می‌شود که دیوان‌ها و دادگاه‌های ویژه با استناد به اصل قانونی بودن، دامنه تعقیب و مجازات را محدود کرده‌اند. این اقدام، علاوه بر حفاظت از حقوق فردی، موجب تقویت مشروعیت محاکم و اعتماد جامعه جهانی به عدالت کیفری شده است و از احتمال خودسرانگی قضایی می‌کاهد (خوش‌چهره، ۱۳۹۹: ۶۴).

همچنین، رعایت این اصل با حفظ کرامت انسانی و جلوگیری از رفتارهای انتقام‌جویانه ارتباط مستقیم دارد. متهمان در محیطی که چارچوب قانونی روشن است، می‌توانند بدون ترس از اعمال مجازات‌های غیرقانونی، از حقوق خود استفاده کنند و در روند دادرسی مشارکت فعال داشته باشند (برزگرزاده، ۱۳۹۴: ۵۰).

افزون بر این، اهمیت اصل قانونی بودن در سطح بین‌المللی در این است که پایه‌ای برای استانداردسازی حقوق متهمان در محاکم فراملی فراهم می‌کند. با تعیین معیارهای روشن برای جرم‌انگاری و مجازات، محاکم می‌توانند سیاست کیفری هماهنگ و شفاف اجرا کنند و از تضاد یا خلأ قانونی میان نظام‌های حقوقی مختلف جلوگیری نمایند.

### ۳-۳- مشروعیت و توسعه عدالت کیفری جهانی

نقش اصل قانونی بودن در مشروعیت و توسعه عدالت کیفری جهانی محور زیرمجموعه ب است و اهمیت آن در سطح بین‌المللی از چند جنبه قابل بررسی است. این اصل، چارچوب قانونی مشخصی برای تعقیب جرایم بین‌المللی فراهم می‌کند و مشروعیت محاکم فراملی را تثبیت می‌نماید، زیرا احکام صادره مبتنی بر نصوص قانونی و تعریف‌های دقیق جرایم است و امکان خودسرانگی قضایی را کاهش می‌دهد. یکی از

مشارکت کنند و اجرای عدالت کیفری را به صورت منسجم و یکپارچه پیاده‌سازی نمایند (ملکی قراجه، ۱۴۰۲: ۹۱).

در نتیجه، اصل قانونی بودن نقش محوری در توسعه عدالت کیفری جهانی ایفا می‌کند؛ این اصل محدودیت‌های لازم برای اعمال قدرت کیفری را برقرار کرده، حقوق متهمان را تضمین می‌نماید و زمینه اجرای عدالت شفاف، منصفانه و مشروع در سطح بین‌المللی را فراهم می‌آورد، به گونه‌ای که نظام کیفری فراملی قابل اعتماد و پاسخگو باقی بماند.

۳-۴- پیدایش و تحولات تاریخی اصل قانونی بودن جرم و کیفر در نظام بین‌المللی کیفری

پیدایش اصل قانونی بودن در حقوق بین‌الملل کیفری، ریشه در ضرورت محدودسازی قدرت کیفری دولت‌ها و جلوگیری از اعمال مجازات‌های خودسرانه دارد. این اصل ابتدا در مباحث فلسفه حقوق طبیعی و حقوق بشر قرن هجدهم ظهور یافت و تأکید می‌کرد که هیچ فردی نباید بدون پیش‌بینی قانونی، مجازات شود. این نگرش، پایه‌ای برای تدوین قواعد کیفری بین‌المللی مدرن فراهم آورد. یکی از نخستین جلوه‌های رسمی این اصل در سطح بین‌المللی، دادگاه نورنبرگ پس از جنگ جهانی دوم بود. علی‌رغم اینکه برخی اعمال متهمان جنگی پیش از تصویب قوانین بین‌المللی انجام شده بود، دادگاه با تأکید بر جرایم علیه بشریت و ضرورت پیش‌بینی قانونی در مقیاس بین‌المللی، تلاش کرد توازن میان عدالت کیفری و امنیت حقوقی متهمان را برقرار کند و زمینه‌ساز پذیرش اصل قانونی بودن در حقوق کیفری بین‌المللی شود (پرادل، ۱۳۹۲: ۴۲).

عمومی به نظام کیفری جهانی را تقویت می‌کند. یکی از مهم‌ترین ابعاد اهمیت این اصل، تعیین چارچوب قانونی برای جرم‌انگاری و مجازات است. جرایم بین‌المللی مانند جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی تنها زمانی قابلیت تعقیب دارند که پیش‌تر در قوانین بین‌المللی و معاهدات مرتبط جرم‌انگاری شده باشند. این چارچوب، از صدور احکام خودسرانه و اعمال مجازات‌های پسینی جلوگیری می‌کند و مسئولیت کیفری را محدود به مرتکبان واقعی می‌سازد (کشاورز، ۱۳۹۴: ۱۲۷).

اصل قانونی بودن همچنین با حفظ حقوق دفاعی متهمان و تضمین دادرسی منصفانه مرتبط است. پیش‌بینی حقوقی مانند حق دسترسی به وکیل، ارائه دفاع و امکان تجدیدنظر، موجب می‌شود که اجرای مجازات‌ها مطابق قانون و متناسب با جرم باشد. این امر، مشروعیت محاکم بین‌المللی را افزایش می‌دهد و اعتماد جامعه جهانی به نظام کیفری را تقویت می‌کند (جوانبخت و محمدی، ۱۳۹۵: ۱۶۹).

نقش دیگر این اصل، پیشگیری و بازدارندگی از ارتکاب جرایم بین‌المللی است. شفافیت قانونی و اعلام مصادیق دقیق جرایم، رفتارهای مجرمانه را محدود و احتمال ارتکاب جرایم شدید را کاهش می‌دهد. بدین ترتیب، اصل قانونی بودن نه تنها جنبه کیفری دارد، بلکه به‌عنوان ابزار پیشگیرانه نیز عمل می‌کند (همان منبع، ۱۷۰).

همچنین، رعایت اصل قانونی بودن در توسعه عدالت کیفری جهانی موجب هماهنگی میان نظام‌های کیفری ملی و بین‌المللی می‌شود. کشورها با انطباق قوانین داخلی با استانداردهای بین‌المللی، قادرند در همکاری‌های فراملی

خودسرانه و اعمال مجازات‌های پسینی جلوگیری می‌کند و مسئولیت کیفری را به فرد مرتکب محدود می‌سازد (سبحانی ماخلوله علیا، ۱۴۰۱: ۷۱).

همچنین، رعایت اصل قانونی بودن در دیوان با تضمین حقوق دفاعی متهمان تقویت می‌شود. پیش‌بینی حقوقی مانند حق دسترسی به وکیل، ارائه دفاع، اعتراض و امکان تجدیدنظر، اطمینان می‌دهد که مجازات‌ها مطابق نص قانونی و متناسب با جرم اعمال شوند و اجرای عدالت کیفری شفاف و منصفانه باشد (کریمی خیایوی، ۱۳۹۹: ۸۲).

به این ترتیب، جایگاه اصل قانونی بودن در دیوان کیفری بین‌المللی نه تنها محدودکننده اختیارات قضایی است، بلکه زمینه حفاظت از کرامت و حقوق فردی متهمان و پیشگیری از خودسرانگی را فراهم می‌آورد. این اصل، دیوان را به مرجعی مشروع و قابل اعتماد در سطح بین‌المللی تبدیل کرده و اجرای عدالت کیفری بین‌المللی را به شکل منضبط و پیش‌بینی‌پذیر تضمین می‌کند.

۳-۶- اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط با اصل قانونی بودن

اصل قانونی بودن در سطح بین‌المللی از طریق مجموعه‌ای از اسناد و کنوانسیون‌ها مورد تأکید قرار گرفته و چارچوبی برای تضمین پیش‌بینی‌پذیری، مشروعیت و عدالت کیفری فراهم می‌آورد. این اسناد، کشورها را موظف می‌کنند که هیچ فردی بدون پیش‌بینی قانونی جرم و مجازات، تحت تعقیب قرار نگیرد و اجرای عدالت همواره در چهارچوب قانون انجام شود. یکی از مهم‌ترین این اسناد، اعلامیه جهانی حقوق بشر است که در ماده ۱۱ بر اصل قانونی بودن جرم و مجازات تأکید

در دهه‌های بعد، کنوانسیون‌ها و میثاق‌های بین‌المللی، مانند میثاق رم و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی این اصل را به صورت صریح تثبیت کردند. بر اساس این اسناد، هیچ فردی نمی‌تواند برای اعمالی که در زمان ارتکاب آن‌ها جرم بین‌المللی محسوب نمی‌شده، تعقیب شود و مجازات‌ها باید مطابق نص قانونی و متناسب با جرم اعمال گردد. این تحولات، اصل قانونی بودن را به یکی از معیارهای بنیادین مشروعیت نظام کیفری بین‌المللی تبدیل کرد (حسن‌زاده، ۱۴۰۰: ۶۴).

امروزه، تحولات تاریخی اصل قانونی بودن در حقوق بین‌الملل کیفری نشان می‌دهد که این اصل علاوه بر محدودسازی خودسرانگی دولت‌ها، نقش اساسی در تضمین دادرسی عادلانه و حمایت از حقوق متهمان دارد. این روند تاریخی، مبین آن است که اجرای عدالت بین‌المللی بدون رعایت پیش‌بینی قانونی و شفافیت در تعیین جرم و مجازات، نه تنها مشروعیت ندارد بلکه امنیت حقوقی متهمان را نیز به خطر می‌اندازد.

۳-۵- جایگاه اصل قانونی بودن در دیوان بین‌المللی کیفری

دیوان کیفری بین‌المللی به عنوان نهاد دائمی مسئول رسیدگی به جرایم بین‌المللی، اهمیت ویژه‌ای برای اصل قانونی بودن قائل است. این اصل، مبنای مشروعیت و پیش‌بینی‌پذیری اقدامات کیفری دیوان را تشکیل می‌دهد و مقرر می‌کند که هیچ فردی نمی‌تواند برای عملی که در زمان ارتکاب آن جرم محسوب نمی‌شده، تحت تعقیب قرار گیرد و هیچ مجازاتی بدون نص قانونی اعمال نخواهد شد. اجرای اصل قانونی بودن در دیوان، با تعیین دقیق مصادیق جرایم بین‌المللی محقق می‌شود. جرایم نظیر نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و تجاوز، تنها زمانی قابلیت تعقیب دارند که مطابق قانون تعریف شده باشند. این محدودیت، از صدور احکام

در نتیجه، اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی نشان می‌دهند که اصل قانونی بودن، نه تنها یک قاعده حقوقی داخلی، بلکه معیاری اساسی برای مشروعیت نظام کیفری بین‌المللی است. رعایت این اصل موجب تضمین دادرسی عادلانه، پیشگیری از خودسرانگی مقامات قضایی و حفظ حقوق فردی متهمان می‌شود و زمینه همگرایی حقوقی کشورها در سطح بین‌المللی را فراهم می‌آورد

۷-۳- نقش اصل قانونی بودن در مشروعیت محاکم بین‌المللی اصل قانونی بودن یکی از ارکان کلیدی مشروعیت محاکم بین‌المللی محسوب می‌شود و اجرای عدالت کیفری فراملی بدون توجه به آن امکان‌پذیر نیست. این اصل تعیین می‌کند که هیچ رفتاری بدون پیش‌بینی قانونی جرم محسوب نمی‌شود و هیچ مجازاتی بدون نص قانونی اعمال نخواهد شد. پایبندی به این قاعده، اعتبار قضایی محاکم بین‌المللی را افزایش می‌دهد و اعتماد جامعه بین‌المللی به عملکرد این نهادها را تقویت می‌کند. یکی از مهم‌ترین کارکردهای اصل قانونی بودن، تعیین چارچوب مشخص برای اعمال مسئولیت کیفری است. در محاکم بین‌المللی مانند دادگاه نورنبرگ، توکیو و دیوان کیفری بین‌المللی، تنها افرادی تحت تعقیب قرار گرفتند که مرتکب اعمالی شده بودند که مطابق قوانین بین‌المللی جرم محسوب می‌شد. این محدودیت از صدور احکام خودسرانه جلوگیری کرده و مشروعیت محاکم را تثبیت می‌کند (سلیمی ترکمانی و حاضر وظیفه قره‌باغ، ۱۳۹۹: ۲۲۹).

اصل قانونی بودن همچنین با تقویت دادرسی عادلانه و حقوق دفاعی متهمان پیوند دارد. متهمان باید امکان دسترسی به وکیل، ارائه دفاع، اعتراض و تجدیدنظر داشته باشند تا اجرای

کرده و مقرر می‌دارد هیچ فردی نباید برای عملی که در زمان ارتکاب آن جرم محسوب نمی‌شده، مجازات شود. این اعلامیه، مبنای حقوقی اولیه برای پذیرش اصل قانونی بودن در سطح بین‌المللی محسوب می‌شود و به‌عنوان معیار بنیادین عدالت و کرامت انسانی شناخته می‌شود.

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز با پیش‌بینی صریح اصل قانونی بودن، کشورها را ملزم می‌کند که جرم‌انگاری و تعیین مجازات صرفاً بر اساس قوانین از پیش موجود صورت گیرد. این میثاق، علاوه بر تأکید بر ممنوعیت مجازات پسینی، رعایت حقوق دفاعی متهمان را نیز تضمین کرده و چارچوبی منسجم برای دادرسی عادلانه فراهم می‌آورد (تقی‌دوست رودبند، ۱۳۹۵: ۳۴).

کنوانسیون‌های مرتبط با حقوق متهمان و عدالت کیفری، مانند کنوانسیون ضد شکنجه و کنوانسیون حقوق کودک در امور کیفری، اصل قانونی بودن را به‌عنوان شرط اساسی برای جلوگیری از خودسرانگی و اعمال مجازات‌های غیرمنصفانه مطرح کرده‌اند. این اسناد، هم حقوق فردی متهمان را حفاظت می‌کنند و هم استانداردهای بین‌المللی را برای نظام‌های کیفری کشورها تعریف می‌نمایند (طهماسبی، ۱۳۸۶: ۱۳).

همچنین، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و کنوانسیون‌های مرتبط با مبارزه با جرایم سازمان‌یافته و تروریسم، اصل قانونی بودن را در سطح فراملی تثبیت کرده‌اند. این اسناد، نه تنها مسئولیت کیفری فردی را مشخص می‌کنند، بلکه از صدور احکام خودسرانه و اعمال مجازات‌های پسینی جلوگیری کرده و پیش‌بینی‌پذیری و شفافیت اقدامات کیفری بین‌المللی را تضمین می‌کنند (همان منبع، ۱۴).

### نتیجه گیری

تحلیل‌های انجام شده نشان می‌دهد که اصل قانونی بودن، هم در نظام حقوقی ایران و هم در نظام بین‌المللی، نقش بنیادینی در تضمین مشروعیت، شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری اقدامات کیفری ایفا می‌کند. این اصل، مبنای جلوگیری از خودسرانگی مقامات قضایی، حفاظت از حقوق متهمان و ایجاد چارچوبی مشخص برای جرم‌انگاری و تعیین مجازات است. رعایت آن، اعتبار و اعتماد به نهادهای قضایی را افزایش می‌دهد و زمینه اجرای عدالت کیفری منصفانه را فراهم می‌آورد. در سطح داخلی، قوانین ایران، به‌ویژه قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری، اجرای اصل قانونی بودن را به‌صورت پیش‌بینی جرم و مجازات، دادرسی عادلانه و مسئولیت فردی متهم تعریف کرده‌اند. این چارچوب، ضمن محدود کردن اختیارات قضایی، امکان پیش‌بینی رفتارهای قانونی را برای شهروندان فراهم می‌آورد و حقوق دفاعی متهمان را تضمین می‌کند.

در عرصه بین‌المللی، اصل قانونی بودن در اسناد و کنوانسیون‌های مختلف، از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، تثبیت شده است. این اصل محدودیت‌های لازم برای تعقیب جرایم فراملی، مانند جنایات علیه بشریت، جرایم جنگی و نسل‌کشی را مشخص کرده و از صدور احکام خودسرانه جلوگیری می‌کند. تحلیل پرونده‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که رعایت این اصل، علاوه بر مشروعیت محاکم، موجب ایجاد الگوهای بازدارنده و پیشگیرانه برای جرایم بین‌المللی شده است. دیوان‌ها و دادگاه‌های ویژه با تعریف دقیق جرایم و رعایت حقوق دفاعی متهمان، زمینه پیشگیری

مجازات مطابق نص قانونی و متناسب با جرم انجام شود. این سازوکارها از تجاوز به حقوق فردی جلوگیری کرده و مشروعیت فرآیند قضایی را افزایش می‌دهند (گماری، ۱۳۷۸: ۴۴).

یکی دیگر از ابعاد اثرگذار این اصل، محدود کردن تفسیر موسع قوانین توسط قضات است. بدون رعایت اصل قانونی بودن، امکان دارد که قاضی یا هیئت قضایی برای پر کردن خلأهای قانونی، جرایم یا مجازات‌هایی را به‌صورت موسع تفسیر کند که مشروعیت محاکم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. رعایت این اصل، محدوده اختیارات قضایی را مشخص کرده و اعتبار اقدامات محاکم بین‌المللی را حفظ می‌کند (کی‌نیا، ۱۳۹۰: ۵۰).

علاوه بر این، اصل قانونی بودن به تثبیت استانداردهای بین‌المللی و همگرایی حقوقی کمک می‌کند. کشورها با مشاهده عملکرد محاکم بین‌المللی و رعایت این اصل، ملزم به بازنگری قوانین داخلی خود می‌شوند و چارچوب قانونی برای مقابله با جرایم بین‌المللی شکل می‌گیرد. این همگرایی، مشروعیت و پذیرش محاکم را در سطح جهانی افزایش می‌دهد (بیات، ۱۳۹۰: ۷۳).

لذا نقش اصل قانونی بودن در مشروعیت محاکم بین‌المللی، ایجاد توازن میان اجرای عدالت و حفاظت از حقوق متهمان است. این اصل محدودیت‌های لازم برای اعمال قدرت کیفری را برقرار کرده، دادرسی عادلانه و پیش‌بینی‌پذیری را تضمین می‌کند و اعتماد جامعه بین‌المللی به نظام کیفری فراملی را تقویت می‌نماید، به‌گونه‌ای که محاکم بین‌المللی بتوانند به‌عنوان نهادهایی مشروع و قابل اعتماد عمل کنند.

۱. بازنگری و اصلاح قوانین کیفری داخلی برای انطباق با اصل قانونی بودن.

۲. تدوین دستورالعمل‌های داخلی برای رعایت نصوص قانونی در تعقیب جرایم نوظهور.

۳. آموزش قضات و کارشناسان حقوقی در زمینه اجرای دقیق اصل قانونی بودن.

۴. ایجاد سامانه‌ای برای ثبت و انتشار مصادیق دقیق جرایم و مجازات‌ها.

۵. تقویت دسترسی متهمان به وکیل و تسهیل حقوق دفاعی در تمام مراحل دادرسی.

۶. توسعه همکاری‌های بین‌المللی برای هماهنگی قوانین و سیاست‌های کیفری.

۷. راه‌اندازی کمیته‌های نظارت بر اجرای اصل قانونی بودن در محاکم ملی و بین‌المللی.

۸. تدوین پروتکل‌های هماهنگی میان دیوان‌های بین‌المللی و نهادهای ملی.

۹. استفاده از فناوری‌های نوین اطلاعاتی برای پایش و گزارش‌دهی تخلفات قانونی در نظام کیفری.

از وقوع جرایم مشابه و ارتقای اعتماد جهانی به نظام کیفری را فراهم می‌کنند.

با این حال، چالش‌هایی مانند جرایم نوظهور سایبری، اقتصادی و تروریستی نشان می‌دهد که اجرای اصل قانونی بودن نیازمند بازنگری مداوم قوانین و هماهنگی میان نظام‌های حقوقی ملی و بین‌المللی است. عدم پیش‌بینی دقیق این جرایم می‌تواند محدودیت‌هایی در تعقیب و مجازات ایجاد کند و با اهداف عدالت کیفری و امنیت عمومی در تعارض قرار گیرد.

مقایسه تطبیقی میان حقوق ایران و نظام بین‌المللی نشان می‌دهد که هر دو نظام، اصل قانونی بودن را به‌عنوان ستون اصلی عدالت کیفری پذیرفته‌اند، اما دامنه، مصادیق جرایم و سازوکارهای پیشگیرانه در هر یک متفاوت است. این تفاوت‌ها ضرورت ایجاد همگرایی و تطبیق قوانین داخلی با استانداردهای بین‌المللی را برجسته می‌سازد. اصل قانونی بودن نه تنها ابزاری برای حفاظت از حقوق متهمان و کرامت انسانی است، بلکه پایه‌ای برای مشروعیت، هماهنگی و توسعه عدالت کیفری در سطح جهانی فراهم می‌آورد. رعایت این اصل، چارچوبی قانونی، شفاف و قابل پیش‌بینی برای مقابله با جرایم داخلی و بین‌المللی ایجاد می‌کند و تضمین می‌کند که سیاست جنایی و اجرای عدالت همسو با اصول بنیادین حقوق جزا و معیارهای بین‌المللی باشد.

پیشنهادها

باتوجه به یافته‌های پژوهش می‌توان موارد ذیل را بعنوان پیشنهادها کاربردی ارائه نمود:

## سپاسگزاری

۹- تقی‌دوست رودبند، فاطمه (۱۳۹۵)، اصل تناسب جرم و مجازات در حقوق بین المللی کیفری، پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین المللی بندر انزلی

۱۰- جوانبخت، محمد؛ محمدی، سهیلا (۱۳۹۵)، تعارض اصل تناسب جرم و مجازات با اهداف مجازات‌ها (با نگاهی به فقه امامیه و حقوق کیفری)، نشریه وکیل مدافع، شماره ۱۵، صص ۱۵۳-۱۷۷

۱۱- حاجی ملا، هیوا؛ محمدی، عقیل (۱۴۰۰)، نسبت سنجی اصل ضرورت و اصل تناسب در قلمرو تهدید و تعلیق حق‌های بشری، مطالعات حقوقی، دوره ۱۳، شماره ۱، صص ۵۴-۲۹

۱۲- حسن زاده، محمدرضا (۱۴۰۰)، مقدمه‌ای بر حقوق کیفری، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشگاه حقوق

۱۳- خدایین، ندا (۱۳۹۷)، شباهت‌ها و تفاوت‌های اصل قانونی بودن عمل اداری با اصل قانونی بودن جرم و مجازات، پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی

۱۴- خوش چهره، مهدی (۱۳۹۹)، کیفیات مشدده مجازات‌دهی در حقوق ایران و حقوق بین‌المللی کیفری، پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندر انزلی

۱۵- رحمدل، منصور (۱۳۹۶)، تناسب جرم و مجازات، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سمت

۱۶- رنجبر نقدعلی علیا، محمد (۱۳۹۷)، بررسی جرایم دولت‌ها و مجازات آنها در حقوق بین‌الملل جزایی، پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندر لنگه

۱۷- سبحانی ماخوله علیا، آصف (۱۴۰۱)، تاثیر آرای محاکم بین‌المللی بر حقوق اشخاص در حقوق داخلی ایران، پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد صفادشت

۱۸- سلیمی ترکمانی، حجت؛ حاضر وظیفه قره باغ، جلیل (۱۳۹۹)، تقابل میان اصول مسئولیت دولتی و مصونیت کیفری در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، مجله حقوق اسلامی، دوره ۱۷، شماره ۶۷، صص ۳۲۶-۳۰۱

۱۹- صادقی، کیومرث (۱۳۹۱)، نظریه‌های جامعه شناختی و جرم‌شناسی، چاپ دوم، تهران: نشر میزان

۲۰- صالحی، حسام (۱۳۹۷)، مبانی اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و آثار و نتایج آن، پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.  
از آقای دکتر عبدالله عزیززاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.  
از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.  
نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

## منابع

۱- ارمغانی، رسول؛ سلیمانی، مهدی (۱۴۰۴)، تناسب جرم و مجازات در حقوق بین الملل کیفری، فصلنامه فقه و حقوق نوین، سال ششم، شماره ۲۳، صص ۲۱-۱

۲- افشار، پرویز (۱۳۹۶)، مبانی نظری حقوق کیفری، چاپ دوم، تهران: انتشارات جنگل

۳- بزرگزاده، عباس (۱۳۹۴)، اصل قانونی بودن جرم و مجازات در اسناد و رویه‌ی قضایی بین‌المللی، نشریه تعالی حقوق، شماره ۱۲، صص ۵۳-۲۹

۴- بکاریا، سزار (۱۳۷۴)، رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی

۵- بیات، حمیدرضا (۱۳۹۰)، مقدمه‌ای بر حقوق بین‌الملل کیفری، تهران: انتشارات جنگل

۶- پردال، ژان (۱۳۹۲)، تاریخ اندیشه‌های حقوق کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ هفتم، تهران: انتشارات سمت

۷- پوربافرانی، حسن (۱۳۹۴)، جزای بین الملل، تهران: انتشارات کیهان

۸- پورهاشمی، سید عباس (۱۳۸۶)، تعارض صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری با سیستم قضایی ایران، تهران: اندیشکده روابط بین الملل

۳۵-مهری، ایمان؛ طالع زاری، علی (۱۳۹۵)، جایگاه اصل قانونی بودن در حقوق کیفری ایران، چهارمین کنفرانس بین المللی مهندسی و علوم انسانی، صص ۲۰-۱

۳۶-نیک نفس، مهدی؛ گماری، مسعود (۱۳۸۲)، جرایم و مجازات‌ها در دیوان بین المللی کیفری و قوانین جزایی ایران، نشریه مجلس و پژوهش، شماره ۳۸، صص ۱۶۰-۱۸۵

۳۷-نیک‌نام، مختار (۱۳۹۲)، بررسی اصل ممنوعیت مجازات‌های خودسرانه در نظام کیفری ایران، پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز

۲۱-طهماسبی، جواد (۱۳۸۶)، قلمرو زمانی صلاحیت دیوان بین المللی کیفری، مجله حقوقی و نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، شماره ۳۷، صص ۴۵-۱۱

۲۲-عباسی، اصغر (۱۳۷۲)، موقعیت اصل قانونی بودن جرم و مجازات در سیستم حقوقی ایران، پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران

۲۳-فنائی، رویا؛ صالحی، سیدمهدی؛ نیکخواه سرنقی، رضا (۱۳۹۹)، ضرورت تحول اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها در خصوص جرائم مستحدث کیفری با تاملی بر اصول و قواعد فقهی، مجله فقه و اصول، سال ۵۲، شماره ۳، صص ۱۱۲-۹۳

۲۴-قاسمی، اسماعیل (۱۳۹۸)، قواعد عمومی حقوق کیفری، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران

۲۵-کریمی خیابوی، لیلی (۱۳۹۹)، معیارهای تعیین و اعمال مجازات در حقوق بین الملل کیفری، پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز

۲۶-کشاوری، علی (۱۳۹۴)، حقوق بین الملل کیفری و دادگاه‌های بین المللی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران

۲۷-کلانتری، کیومرث (۱۳۷۵)، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، مازندران: انتشارات دانشگاه مازندران

۲۸-کی‌نیا، مهدی (۱۳۹۰)، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران

۲۹-گماری، مسعود (۱۳۷۸)، ارتباط سازمان ملل متحد با دیوان کیفری بین المللی و جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه

۳۰-مدنی، سعید (۱۳۹۷)، جرم شناسی: نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها، چاپ سوم، تهران: شهر نی

۳۱-ملکی قراجه، مهدی (۱۴۰۲)، تناسب جرم و مجازات در رویه قضایی بین المللی کیفری، پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی رشديه

۳۲-ممتاز، فریده (۱۳۸۱)، انحرافات اجتماعی نظری‌ها و دیدگاه‌ها، چاپ اول، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار

۳۳-منصف، محمد (۱۳۹۸)، بررسی فقهی - حقوقی ماده ۹۶ قانون مجازات اسلامی مبتنی بر اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند

۳۴-مومنی، مهدی (۱۳۹۵)، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها در دادرسی‌های کیفری بین المللی، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۵۵، صص ۱۸۴-۱۵۹